



مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری
سال ششم، شماره‌ی ۲۱، تابستان ۱۳۹۶
صفحات ۹۶-۱۱۵

واکاوی نگرش زنان نسبت به شکل‌گیری فضاهای گردشگری - فراغتی مخصوص بانوان، مطالعه موردی: پارک بانوان شهر آمل

لیلا حبیبی^۱
عامر نیک‌پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۰۵

چکیده

یکی از اشکال برنامه‌ریزی فضای فراغتی برای زنان، احداث پارک‌های ویژه بانوان می‌باشد که موافقان و مخالفان خود را دارد. از این رو پژوهش حاضر در صدد است تا به بررسی نگرش و میزان رضایتمندی زنان شهر آمل از گذران اوقات فراغت خود و همچنین فراغت آنان در ارتباط با پدیده پارک مخصوص بانوان بپردازد. تحقیق حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و از روش‌های اسنادی - کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است و از پرسشنامه و تحلیل داده‌های آن به صورت کمی و از طریق نرم افزار SPSS استفاده شده است. در این تحلیل هم از آماره‌های توصیفی و هم استنباطی استفاده شده است. نتایج تحلیل نشان دهنده‌ی عدم رضایت کافی زنان از کیفیت فراغت خود و همچنین نگاه مثبت آنان به پدیده پارک‌های مخصوص بانوان می‌باشد. هرچند ارتباط معناداری میان شغل و تحصیلات و نگرش به این پدیده وجود دارد اما جهت‌گیری کلی نشان از وجود تقاضای زنان برای شکل‌گیری چنین فضاهایی برای گردشگری درون شهری و گذران اوقات فراغت دارد.

واژه‌های کلیدی: پارک، پارک بانوان، فضای شهری، فضاهای جنسیتی، فضاهای تفکیکی

^۱ نویسنده مسئول: استادیار گروه مدیریت جهانگردی دانشگاه مازندران (l.habibi@umz.ac.ir)

^۲ استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه مازندران

مقدمه

برنامه‌ریزی فضاهای شهری مخصوصا فضاهای عمومی در شهر، یکی از مهمترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان شهری می‌باشد. اهمیت استفاده از فضاهای عمومی شهری در این نکته می‌باشد که به شهروندان در جهت گذران اوقات فراغت، تجربه‌های گردشگری شهری، تجربه‌های شهروندی و مشارکت با هم‌نوعان خود در فضای شهری کمک خواهد نمود. تحولات اجتماعی شکل گرفته در جوامع در راستای تغییرات سبک و شیوه زندگی اثرات خود را بر شیوه مصرف گذران اوقات فراغت، گردشگری و نحوه حضور شهروندان در جوامع گذاشته است. در این میان مصرف گذران اوقات فراغت زنان، نیز بی‌تاثیر از این تغییرات نبوده است. اگر در گذشته بیشتر فضاهای عمومی و شهری اغلب محل حضور مردان و به اصطلاح فضاهای مردانه بوده است، امروزه بیشتر متوجه حضور زنان در فضاهای شهری، شیوه‌های برون‌گرایانه تر زنان در گذران اوقات فراغت، مقصدهای گردشگری شهری و برون شهری و به طور کلی الگوهای سفر آنها می‌باشیم. با وجود این حضور زنان در فضاهای شهری همچنان شامل انتظارات برآورده نشده زنان، آسیب‌های وارده به فضای زنانه و فقدان الگوی مناسب گذران اوقات فراغت و فضاهای گردشگرانه شهری آنها می‌باشد. فضاهای عمومی همچون پارک‌ها به دلایل مختلف از سوی زنان همچنان تحت تاثیر عواملی چون احساس عدم امنیت، عدم احساس راحتی و آسایش برای فعالیتهای فراغتی می‌باشد. از این رو پدیده‌ای مانند پارک مخصوص بانوان در کشورهای اسلامی در راستای تحقق بخشیدن به افزایش سرانه فضاهای عمومی مخصوص زنان و از بین بردن موانع و آسیب‌های ذکر شده، طراحی گردیده است که با توجه به دیدگاهها و نظریات مختلف، دارای بازخوردهای مختلفی می‌باشد. پژوهش حاضر نیز در جهت واکاوی نگرش زنان نسبت به این پدیده‌ها گام برداشته و در نهایت در صدد پاسخ به این مسئله است که نگرش زنان نسبت به این فضاها در یکی از شهرهای شمالی ایران، مثبت ارزیابی می‌شود یا خیر. در این راستا ارتباط میان متغیرهای مختلف زمینه‌ای با گذران اوقات فراغت نیز به دلیل اهمیت این متغیرها در چگونگی ارزیابی این پارکها از نظر زنان باید مورد توجه قرار گیرد.

در راستای سوال فوق، تحقیق در جهت اثبات فرضیات زیر عمل خواهد کرد:

به نظر می‌رسد که تقاضا و نگرش مثبتی برای شکل‌گیری فضاهای فراغتی مخصوص بانوان مانند پارک بانوان در شهر آمل وجود دارد

به نظر می‌رسد که متغیرهای زمینه‌ای مانند تحصیلات در دیدگاههای زنان نسبت به شکل‌گیری فضاهای ویژه بانوان تاثیرگذار است.

ادبیات موضوع

الف - مبانی نظری

دومازیه، جامعه‌شناس فرانسوی می‌گوید، اوقات فراغت مجموعه فعالیت‌هایی است که شخص پس از ارزیابی از تعهدات و تکالیف شغلی، خانوادگی و اجتماعی با میل و اشتیاق به آن می‌پردازد و غرضش استراحت، تفریح، توسعه دانش یا به کمال رساندن شخصیت خویش یا به ظهور رساندن استعداد، خلاقیت‌ها و یا بالاخره بسط مشارکت آزادانه در اجتماع است (دومازیه، ۱۳۵۲) اوقات فراغت از دید اقتصادی باعث افزایش کار و تولید، از دید اجتماعی مانع بروز انحرافات اجتماعی، از دید سیاسی مانع از بحران‌های سیاسی و آشوب‌های اجتماعی و از نظر روان‌شناسی باعث بهداشت روان و تضمین سلامت انسان و ایجاد نشاط می‌شود (کی منش، ۱۳۷۸: ۲۸).

به طور کلی درباره‌ی پیدایش فراغت و گرایش انسان به آن نظریات متعددی مطرح شده است که به دو نمونه آن اشاره می‌شود:

اولین نظر مبنای تفریح را مذهب می‌داند. چنانچه در جوامع اولیه رسوم مذهبی در عمل از بازی و تفریح جدا نبوده است. فلوئیدهاوس در کتاب سلسله نظریه‌های اجتماعی، ریشه‌ی تفریح را در زمان قدیم، مذهب بیان می‌کند که با استیلای مسیحیت بر جهان این نوع نگرش نوعی معصیت تلقی می‌شد.

دومین نظریه مبنی بر استراحت و کسب لذت است. اسپنسر در این خصوص علت گرایش انسان به تفریح را رها شدن وی از نیروهای اضافی می‌داند. مورتین لاداروس روان‌شناس آلمانی عامل تفریح را نیاز بشر به استراحت و جبران خستگی بیان می‌کند. توماس میل رهایی از یکنواختی و به دست آوردن تجربیات را عامل پیدایش تفریح و بازی می‌شمرد. پاتریک روان‌شناس آمریکایی پیدایش تفریح و فراغت را رهایی انسان از فعالیت مداوم و تلاش خسته‌کننده که نتیجه آن خستگی جسمی و روحی شدید افراد جامعه است، می‌داند (زاهدی، ۱۳۷۰: ۹).

در این راستا الگوهای گذران اوقات فراغت نیز از مواردی است که بسیار حائز اهمیت است. به گونه‌ای که می‌توان آنها را به انواع مختلف دسته‌بندی کرد:

در فراغت فعال انسان خودش نحوه گذران اوقات خود را بر اساس ارزشها، فرهنگها، و خرده فرهنگهای خود تعیین و عمل می‌کند. در فراغت منفعل، انسان تماشاچی گذران اوقات فراغت فعال دیگران است مثل تماشاچی بودن ورزش‌های گوناگون مثل فوتبال. فراغت کامل، فراغتی است که خستگی ناشی از کار را از تن به در می‌کند و کارهای تکراری و قراردادی را که نهادهای اساسی و اولیه جامعه به او تحمیل می‌کند، کنار می‌گذارد و ممکن است که به شخص در جهت تقویت نیروی آفرینندگی‌اش کمک کند. فراغت ناقص، فراغتی است که نتواند نیازهای فوق در فراغت کامل را برآورده سازد. به عبارتی دیگر فراغتی که نتواند برای فرد در هر زمان رفع خستگی کند، باعث تفریح و سرگرمی فرد شود و نتواند ایجاد امکان بالاتر بردن سطح معلومات، مشارکت آزاد اجتماعی و

پرورش استعداد فرد شود، فراغت ناقص است. اگر فراغت زیر سلطه هدف‌های تجاری، سودمندان یا ایدئولوژیک باشد دیگر کاملاً فراغت نیست و چنین فراغتی تنها بخشی از خصلت خود را حفظ می‌کند بنابراین آن را نیمه فراغت گویند. به عنوان مثال ورزشکاران برای کارهای ورزشی پول می‌گیرند، ماهیگیر بخشی از شکارش را می‌فروشد، باغبانی که عاشق گل و گیاه است و برای مصرف شخصی اش سبزی می‌کارد ولی بخشی از آن را می‌فروشد و یا نقاشی که تعدادی از تابلوهایش را می‌فروشد. وقتی که فرد در زمان فراغتش فاقد هر گونه برنامه مشخصی باشد و این مدت را به بطالت گذراند. هنگامی که فرد سرگردان باقی می‌ماند و در زمان فراغت با خلا مواجه می‌شود و راهی برای گذراندن زمان آزادش نمی‌یابد آنرا خلا فراغت گویند.

در فراغت فردی، انسان گذران اوقات فراغت خود را به صورت دیدن تلویزیون، موسیقی و یا مطالعه می‌گذراند. در فراغت خانوادگی، انسان اوقات فراغت خود را با خانواده‌اش می‌گذراند و به گردش و مسافرت می‌رود (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۰۳).

با ذکر این توضیحات، فضاهای شهری عمومی در این میان نقش زیادی در شکل‌گیری فعالیت‌های فراغتی - گردشگری به صورت درون شهری ایفا می‌کنند که قاعدتاً سهم یکسانی را برای زنان و مردان در این فضاها قائل نمی‌باشد. چرا که بعضی از فضاها بدلیل احساس عدم امنیت و آزادی چندان مورد علاقه افراد بخصوص زنان نخواهد بود.

در زمینه‌ی میزان استفاده‌ی عمومی از فضاهای شهری، عموم مردم اغلب از جاهایی دوری می‌کنند که احساس در معرض خطر بودن و آسیب دیدن و بطور کلی ناامنی دارند و این امر به تدریج این محیط‌ها را متروک و بی دفاع‌تر می‌کند و گرچه ممکن است در ابتدا این مناطق واقعا ناامن نبوده‌اند، به تدریج محیط‌هایی مستعد برای سوء استفاده‌های مجرمانه و فعالیت‌های نامناسب می‌شوند. برخی از نظریه پردازان از جمله اسکار نیومن (۱۹۷۷) از این فضاها به عنوان فضاهای بی دفاع یاد می‌کنند که باید در فرایند برنامه‌ریزی و سیاست گذاری‌های شهری شناسایی و به آنها توجه دقیق شود (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۸).

ایجاد محیطی ایمن که مردم را جذب و تشویق به پیاده روی (بدون ترس و حس ناامنی)، مکث و در نتیجه تعامل اجتماعی بیشتر بکند، در واقع نه تنها به ارتقای کیفیت عمومی فضاهای شهری کمک می‌کند، بلکه به واسطه افزایش شمار مردم ناظر و حاضر در محیط می‌تواند زمینه‌ی بروز گرایش‌ات توسعه‌ای را نیز فراهم آورد (لبووا^۱، ۲۰۰۴: ۱۶).

در این راستا توجه خاص به امنیت جنسیتی و حضور موثر و تعاملی زنان در محیط‌های عمومی شهری حائز اهمیت است بدان معنا که ضمن توجه به تفاوت‌های فیزیولوژیک و تأمین نیازهای لازم، باید به مفهوم مشارکت روحی و اجتماعی زنان در ایجاد و تقویت امنیت محیط‌های شهری نیز توجه

^۱ Lubuva

کرد. این امر سبب می‌شود تا ضمن تقویت حس تعلق مکانی، حس ترس و ناامنی آنها از حضور موثر و تاثیرگذار در فضاهای شهری از بین برود.

می‌های^۱ (۲۰۰۶) معتقد است، وقت آزاد در زنان و مردان با یکدیگر متفاوت است. برخلاف تلاش‌هایی که برای برابری جنسیتی صورت گرفته ولی نقش مردان و زنان با یکدیگر متفاوت است؛ مردان بیشتر وقت خود را در خارج از خانه سپری می‌کنند در حالی که زنان در داخل خانه مشغول به کار هستند و این موجب شده اوقات فراغت زنان با مردان متفاوت باشد. زنان با توجه به مسئولیت خود، اوقات فراغت خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند، در حالی که مردان هیچگونه محدودیتی در گذران اوقات فراغت خود ندارند.

به طور کلی فضاهای فراغتی یکی از حوزه‌های مهم مطالعات شهری است و فضاهای شهری وسیعی را دربرمی‌گیرد از جمله:

۱- فضاهای تغذیه نظیر رستوران‌ها، رستوران‌های غذاهای حاضری، کافه‌ها، کافی‌شاپ‌ها، کافی‌نت‌ها و نظایر آن ۲- فضاهای ورزشی و ورزشگاه‌ها، سالن‌های ورزشی، باشگاه‌های تندرستی و بدنسازی، زمین‌های ورزش درون‌شهری و محله‌ای ۳- فضاهای بازی نظیر انواع کلوپ‌ها و باشگاه، بازی‌های فکری، فضاهای بازی درون آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها ۴- فضاهای فرهنگی نظیر سالن‌های کنسرت، تئاتر، سینما، کتابخانه‌ها، فرهنگسراها، موزه‌ها، نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها ۵- فضاهای تفریحی متفرقه نظیر پارک‌های تفریحی، مکان‌های گشت و گذار و دیدنی، آثار تاریخی. در هر حال بر عهده دولت‌ها است که فضاها و امکاناتی برای گذران فراغت فراهم کنند و گرنه خود افراد از طریقی که همواره به نفع جامعه نیست راه حل‌هایی می‌یابند. سیاست فرهنگی باید وسایل سوده‌مندی برای فراغت ایجاد و مردم را به انتخاب آزادانه آنها راهنمایی کند (فکوهی و انصاری، ۱۳۸۲). در این میان شهرها و فضاهای موجود نقش پایه‌ای در ارائه فضاهای مناسب فراغتی ایفا می‌کنند. در این راستا اهمیت پارک‌های شهری نیز در تامین رفاه کلی جامعه و برآوردن نیازهای غیر مادی و غیر مصرفی یعنی نیاز به طبیعت برای انسان بر کسی پوشیده نمی‌باشد. (کیسورا^۲، ۲۰۰۴).

به نظر میشل باندز (۲۰۰۴) نظم پدرسالارانه جوامع غربی به وسیله شکل شهر تقویت شده است، چرا که فضا جنسیت زده است و ناهمسانی قدرت مردان و زنان در جامعه را تشدید می‌کند. ترس از خشونت و تعدی، اعتماد به نفس تعدادی از زنان را تحلیل برده و دسترسی به فضای عمومی را برای آنها محدود کرده است. ترس زنان، انعکاس ساختارهای قدرت جنسیتی در سطح کلان جامعه است. باندز دیدگاهی که معتقد است ترس یک خصیصه اساسی زنانه است، را به چالش می‌کشد و معتقد است که محدودیت تحرک زنان در استفاده از فضا و هم در برساخت هویت به معنی تحت سلطه بودن آنان است. به همین دلیل است که زنان کل زندگی شخصی و اجتماعی خود را به نحو متمایزی از مردان تجربه می‌کنند. (ابادری و دیگران، ۱۳۸۷).

¹ Mi-Hye

² Chiesura

گائل ژیلو که بر خیابان‌های شهرهای قاهره، دمشق و بیروت مطالعه کرده، می‌نویسد:
"در این شهرها، زنان فقط در یک نقطه احساس "سرزمینیت" دارند و آن پارک یا باغ‌های عمومی است. زنان در این محوطه‌های سبز می‌توانند توقف و استراحت کنند. فقط پارک است که به دلایل فرهنگی و طبیعی خاص، برای زنان این موقعیت را در شهرها فراهم می‌کند که با یکدیگر جمع شوند و توقف داشته باشند (ژیلوت^۱، ۲۰۰۶). طبق نظر لس هیوود و دیگران (۱۳۸۰:۳۷۶)، طبقه، درآمد و تحصیلات پاره‌ای از محدودیت‌هایی را که جامعه سنتی بر فرصت‌های اوقات فراغت زنان تحمیل می‌کند، کاهش داده است. در هر حال این تغییرات، حضور زنان در عرصه‌ها و فضاهای شهری را اجتناب‌ناپذیر و نحوه ساماندهی شهری را دگرگون می‌سازد. با دگرگونی تدریجی سبک زندگی، زنان و دختران جوان برای سلامت، سرگرمی و فعالیت‌های فراغتی برون خانگی اهمیت بیشتری قائل می‌شوند.

فانتلن^۲ و زینخان^۳ (۱۹۹۳) در پژوهشی به مدلی مفهومی برای مطالعه نقش تفاوت‌های جنسیتی در درک نسبت به فراغت پرداختند. به دلیل نقش‌های متفاوتی که زنان و مردان در جوامع معاصر به عهده دارند، فراغت متفاوتی نیز دارند به نظر ایشان. تفاوت‌های جنسیتی در بطن جامعه برای مطالعه و تعریف فراغت امری ضروری می‌باشد.

پور احمد و سالاروندیان در سال ۱۳۹۱ فضاهای فراغتی شهر تهران از دوران قاجار تا دوران معاصر را به سه دسته تقسیم کردند که شامل فضاهای کاملاً مردانه، کاملاً زنانه، فضاهای فراغتی مردانه/ زنانه می‌شود که حضور زنان در هر کدام از آنها متفاوت است و فضاهای فراغتی که متعلق به هر دو جنس می‌باشد نسبت به گذشته بیشتر شده و فضاهای فراغتی مربوط به یک جنس در این دوره بازتولید شده‌اند.

پژوهش رفعت‌جاه (۱۳۸۶) نشان می‌دهد الگوهای اوقات فراغت دختران جوان شهری به ویژه در اقشار متوسط، از شکل انفعالی و درون‌خانگی به شکل فعالانه و برون‌خانگی میل می‌کند که این موضوع در شهر تهران بیشتر به چشم می‌خورد. اما با محدودیت‌ها و موانعی که امروزه برای حضور دختران در غالب فضاهای عمومی شهری وجود دارد. بنظر می‌رسد فراغت این قشر می‌تواند از بیرون به مکان‌های سر بسته‌ای که آسیب‌های بیشتری در پی دارد کشانده شود و در این راستا سیاست‌های فرهنگی معطوف به فضاهای فراغتی می‌تواند گذران فعالانه و خلاقانه و غیر آسیب‌زای اوقات فراغت دختران جوان را بارور سازد.

در پژوهشی که در ایران به نحوه گذران اوقات فراغت در میان دانشجویان انجام شده است، به ارتباط میان جنسیت و نحوه گذران اوقات فراغت اشاره شده که از نظر جنسیتی تفاوت‌های معناداری بین علایق پسران و دختران و نوع و مدت زمان پرداختن به فعالیت‌های فراغتی دیده می‌شود (الهام

¹ Gillot

² Fontenelle

³ Zinkhan

پور، ۱۳۸۲). در پژوهشی دیگر اذعان شده است که مدت زمانی که زنان صرف اوقات فراغت و انجام فعالیت‌های فیزیکی مرتبط با آن انجام می‌دهند، کمتر از مدت زمانی است که صرف انجام فعالیت‌های شغلی و خانه‌داری می‌کنند (نیک‌پور و دیگران، ۱۳۸۴). فرهودی و دیگران (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی در ارتباط با نحوه مشارکت زنان در فعالیت‌های فراغتی در پارک بانوان بهشت مادران تهران ایجاد و شکل‌گیری پارک‌های مخصوص بانوان را از دید زنان استفاده‌کننده مثبت ارزیابی کرده و عوامل زمینه‌ای مانند سن، تحصیلات و شغل را در این نگرش موثر دانسته‌اند. شاطریان و اشنویی (۱۳۹۱) در پژوهشی رابطه میان متغیرهای زمینه‌ای، پایگاه اقتصادی-اجتماعی شهروندان کاشانی با میزان و نحوه گذران اوقات فراغت آنها را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش وجود رابطه میان پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی پاسخ‌گویان و میزان گذران اوقات فراغت در بافت جدید و نیز متغیرهای زمینه‌ای شمال جنسیت، سن و سطح تحصیلات با میزان گذران اوقات فراغت را تأیید کرده است. نکته قابل توجه در این پژوهش مشخص شدن اولویت‌های گذران اوقات فراغت در بافت جدید و قدیم بوده است به طوری که اولویت اول و دوم در گذران اوقات فراغت ساکنان بافت قدیم به ترتیب گونه هنری و تفننی و در بافت جدید شهر کاشان به ترتیب ورزشی و هنری بوده است.

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به اینکه روش کار در این پژوهش بر اساس پرسشنامه بوده است، لذا با توجه به جمعیت کل منطقه از روش کوکران برای محاسبه حجم نمونه استفاده گردید که براساس فرمول کوکران حدود ۳۸۵ نفر محاسبه گردید. این تعداد در سطح مناطق ۲۵ گانه با توجه به جمعیت هر کدام از مناطق توزیع گردید. از روش پیش‌آزمون برای صحت و معناداری پرسشنامه استفاده گردید به طوری که ابتدا ۳۰ پرسشنامه توزیع گردید و ضریب آلفای کرونباخ در حد قابل قبولی بدست آمد (۰/۸۳) و سپس باقی پرسشنامه‌ها توزیع گردید. برای روایی و پایایی پرسشنامه تحقیق از آلفای کرونباخ و همچنین نظر تنی چند از کارشناسان استفاده گردید. برای تنظیم پرسشنامه نیز از طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای) استفاده شد. به طوری که در پاسخ به سوالات از عبارات کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظر، مخالفم و کاملاً مخالفم استفاده گردید. جامعه آماری مورد نظر نیز از طریق توزیع پرسشنامه به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای از دسته نمونه‌گیری احتمالی و انتخاب تصادفی نمونه‌ها از افراد در داخل خوشه‌ها انجام شد. گفتنی است که ۴ پرسشنامه به دلیل اطلاعات بیش از حد ناقص از میان پرسشنامه‌ها حذف گردید. در این تحقیق برای شاخص‌های میزان رضایت تعداد ۱۰ گویه و همچنین نگرش زنان نسبت به پارک مخصوص بانوان تعداد ۸ گویه تنظیم شده است. بعد از توزیع پرسشنامه، داده‌های خام بدست آمده برای تجزیه و تحلیل وارد نرم افزار آماری spss شد. در تحلیل داده‌ها هم از آمار توصیفی و هم از آمار استنباطی استفاده گردید به طوری که از میانگین،

انحراف معیار و آزمون همبستگی اسپیرمن برای تحلیل توصیفی و از آزمون آنوا و دی سامرز برای تحلیل استنباطی استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل

الف - یافته‌های توصیفی

از میان پاسخ‌دهندگان (۳۸۱ نفر) ، ۳۰ درصد در گروه سنی ۱۸- ۲۸ سال و ۴۵ درصد در گروه ۲۹- ۳۹ سال، ۸ درصد در گروه ۴۰- ۵۰ سال و ۱۷ درصد در گروه ۵۱- ۶۰ سال قرار داشته‌اند. از لحاظ درآمدی ۵۲۰ درصد بدون درآمد (به صورت خانه دار و دانشجو)، ۱۰ درصد تا درآمد ۵۰۰ هزار تومان، ۱۶ درصد بین ۵۰۰ تا ۱ میلیون تومان، ۹ درصد بین ۱- ۲ میلیون تومان و ۱۳ درصد بیش از ۲ میلیون تومان درآمد داشته است. از لحاظ شغلی ، ۴۸ درصد خانه دار، ۱۴ درصد دانشجو، ۱۹ درصد کارمند و ۱۹ درصد دیگر شغل آزاد داشته‌اند. از نظر تاهل، ۲۵ درصد مجرد و ۷۵ درصد متاهل بوده‌اند. از نظر میزان تحصیلات، ۴ درصد بیسواد، ۳۷ درصد تا دیپلم، ۳۳ درصد لیسانس، ۱۹ درصد فوق لیسانس و ۷ درصد بالاتر از فوق لیسانس بوده‌اند. از لحاظ تعداد فرزند ۵۳ درصد زنان متاهل، بدون فرزند، ۲۳ درصد دارای ۱-۲ فرزند و ۲۴ درصد دارای ۳ فرزند و بیشتر بوده‌اند.

الگوهای فراغتی زنان

بررسی الگوهای فراغتی زنان شهر آمل نشان می‌دهد که زنان، فراغت خود را عموماً به صورت جمع شدن با دوستان (۱۹ درصد)، اینترنت (۱۶ درصد)، برگزاری مراسم مذهبی به صورت سفره و نذر و ختم انعام و .. (۱۳ درصد)، نگهداری از فرزندان و نوه‌ها و سالمندان منزل (۱۰ درصد)، مطالعه کتب و مجلات (۹ درصد)، ورزش (۶ درصد)، بازار و خرید و پرسه زنی در پاساژها (۶ درصد)، کلاسهای آموزشی (۶ درصد)، پیاده روی (۳ درصد)، رفتن به آرایشگاه (۳ درصد)، تماشای تلویزیون و ماهواره (۳ درصد) می‌گذرانند.

جدول ۱- اولویت بندی الگوهای فراغتی زنان

اولویت های فراغتی	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
پیاپی روی	۱۲	۳	۳
ورزش های حرفه ای	۲۶	۶	۹
جمع شدن با دوستان	۷۶	۱۹	۲۹
مراسم مذهبی	۵۲	۱۳	۴۳
کلاسهای آموزشی	۲۶	۶	۵۰
نگهداری از فرزندان و نوه ها....	۳۹	۱۰	۶۰
مطالعه کتاب و مجلات	۳۷	۹	۷۰
اینترنت	۶۴	۱۶	۸۷
مراجعه مکرر به آرایشگاه	۱۲	۳	۹۰
خرید و پرسه زنی در بازارها و پاساژ	۲۵	۶	۹۶
تماشای تلویزیون و ماهواره	۱۲	۳	۱۰۰
جمع	۳۸۱	۱۰۰	

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

میزان رضایت از نحوه گذران اوقات فراغت شهری

از آنجایی که فراغت مقوله مهمی در خود شکوفایی فردی و اجتماعی افراد و عاملی تاثیرگذار بر سایر ابعاد زندگی افراد به شمار می‌آید، سعی شده است تا در این بخش با استفاده از سوالات مورد نظر به این ابعاد بیشتر پرداخته شود. شواهد این بخش حاکی از این است که:

۳۲ درصد زنان (۱۲۵ نفر از ۳۸۱ نفر) و ۲۷ درصد (۱۰۳ نفر از ۳۸۱ نفر) به ترتیب به میزان بسیار کم و کم در زمان گذران اوقات فراغت تبدیل به فردی می‌شوند که باید باشند و به خود واقعی خود نزدیک می‌شوند. از طرفی دیگر نزدیک به ۷۰ درصد آنان (۱۳ درصد به میزان بسیار کم و ۵۶ درصد به میزان کم) در جریان اوقات فراغت خود احساس می‌کنند که روابطشان با بقیه مردم تقویت شده است. همچنین ۲۱۵ نفر (۵۸ درصد افراد) به صورت زیاد و خیلی زیاد استفاده از اینترنت و پناه آوردن بیش از حد به مراکز آرایشگاههای زنانه را برای پرکردن اوقات فراغت خود قضیه ای عذاب آور توصیف کرده اند. همچنین حدود ۶۱ درصد افراد ادعان نموده‌اند که به صورت زیاد و خیلی زیاد احساس افسردگی و بی حوصلگی در زمان اوقات فراغت خود دارند. این در ارتباط با سوال دیگر نیز خود را نشان داده است چراکه حدود ۷۰ درصد زنان در بسیاری از موارد نمی‌دانستند که چه کاری برای فراغت خود برگزینند و این خود وضعیت بی حوصلگی و افسردگی مورد اشاره در سوال قبل را نیز نشان می‌دهد. همچنین ۵۵ درصد زنان در حین اوقات فراغت به کارهای انجام نشده خانه و محل کار فکر می‌کنند و حتی در زمان فراغت نیز به نوعی مشغول کار ذهنی خارج از امور مربوط به شخص خود می‌باشند. در ارتباط با ارتباطات مفید و موثر با سایر افراد نیز حدود ۷۰ درصد زنان، آن را به میزان کم توصیف کرده و به نوعی فراغت آنان چندان در ارتباط با تعامل قرار نمی‌گرفته است و این نشان می‌دهد که با وجود اینکه تعداد قابل توجهی از افراد با دوستان خود

واکاوی نگرش زنان نسبت به شکل‌گیری فضاهای گردشگری - فراغتی مخصوص بانوان ۱۰۵

گذران وقت می‌کنند اما آن را چندان مفید نمی‌پندارند. در ارتباط با توانمند سازی و افزایش مهارت‌ها و یادگیری در جریان فعالیتهای فراغتی نیز حدود ۷۰ درصد آنان این مسئله را به صورت کم بیان نموده‌اند.

جدول ۲- گویه‌های مربوط به کیفیت وضعیت موجود گذران اوقات فراغت

سوال	وقتی مشغول گذران اوقات فراغت خود هستید تا اندازه‌ای:
۱	احساس می‌کنید به خود واقعی تان نزدیک شده‌اید و تبدیل به فردی شدید که باید باشید
۲	احساس می‌کنید انجام این فعالیت‌ها باعث تقویت روابط شما با بقیه مردم می‌شود
۳	انجام دادن بعضی از این فعالیتها مانند استفاده زیاد از اینترنت و یا پناه آوردن بیش از حد به مکانهایی مانند آرایشگاه‌ها برایم عذاب‌آور است.
۴	احساس افسردگی و بی‌حوصلگی می‌کنم.
۵	احساس می‌کنم که همیشه عجله دارم و با آرامش نمی‌توانم وقتی را به خود اختصاص دهم.
۶	نمی‌دانم چه کاری برای فراغت خود انجام دهم.
۷	در حین اوقات فراغت به کارهای انجام نشده خانه و محل کار فکر می‌کنم.
۸	معمولا سعی میکنم در اوقات فراغت خود ارتباطات مفید و موثری با افراد برقرار کنم
۹	سعی در توانمند سازی، آرام ساختن خود و بازسازی تواناییهای ام دارم.
۱۰	سعی در یادگیری و افزایش مهارتهای خود دارم.

منبع: نگارندگان

جدول ۳- مقادیر گویه‌های مربوط به رضایت از کیفیت گذران اوقات فراغت

	N	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
B1	۳۸	۱	۵	۲	۰/۰۰۰۰۰
B2	۳۸	۱	۵	۲	۰/۰۰۰۰۰
B3	۳۸	۱	۵	۳	۰/۰۰۰۰۰
B4	۳۸	۲	۵	۳	۰/۰۸۴۷۸
B5	۳۸	۲	۵	۲	۰/۰۵۳۳۴
B6	۳۸	۱	۵	۳	۰/۰۵۰۰۸
B7	۳۸	۲	۵	۳	۰/۲۰۸۶
B8	۳۸	۲	۴	۲	۰/۰۰۰۰۰
B9	۳۸	۲	۴	۲	۰/۰۰۰۰۰
B10	۳۸	۲	۴	۲	۰/۰۰۰۰۰

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

موانع گذران اوقات فراغت

زنان شهر آمل موانع موجود برای گذران اوقات فراغت خود را به ترتیب عواملی مانند فقدان تسهیلات و امکانات فضای شهری برای گذران اوقات فراغت، مسئولیت امور خانه، نگهداری از سایر افراد، فقدان درآمد کافی برای مراکزی مانند باشگاههای ورزشی و کلاسهای آموزشی، نداشتن وقت کافی بخصوص برای دانشجویان و زنان شاغل و همچنین بعضی از آنان ناتوانی جسمی را برشمرده اند.

جدول ۴- موانع گذران اوقات فراغت زنان در شهر آمل

درصد فراوانی تجمعی	درصد	فراوانی	موانع فعالیت‌های فراغتی - گردشگری فراغت
۲۹	۳۰	۱۱۳	فقدان امکانات و تسهیلات شهری
۵۳	۲۳	۸۹	فقدان درآمد کافی
۵۶	۳	۱۲	ناتوانی جسمی و نداشتن سلامتی جسمی
۸۶	۳۱	۱۱۷	مسئولیت نگهداری از افراد دیگر
۱۰۰	۱۳	۵۰	نداشتن وقت کافی
	۱۰۰	۳۸۱	جمع

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

نگرش زنان نسبت به احداث پارک مخصوص بانوان در شهر آمل:

زنان شهر آمل در مورد احداث پارک بانوان به عنوان فضایی اختصاصی برای گذران اوقات فراغت، مواضع خود را به صورت کاملاً موافق و موافق (۷۲ درصد) اذعان نموده‌اند که در صورت احداث این پارک در نزدیکی محل سکونت آنان و دسترسی مناسب حتماً برای گذران اوقات فراغت به آنجا مراجعه خواهند کرد. همچنین ۷۴ درصد (موافق و کاملاً موافق) معتقدند که احداث فضاهای زنانه مانند پارک مخصوص بانوان باعث بالارفتن احساس امنیت زنان می‌شود هرچند در این میان ۲۶ درصد زنان مخالف این مسئله بوده‌اند و در جریان پرسشگری با افزایش امنیت زنان بواسطه این فضاهای جدایی‌گزین موافق نبوده‌اند. در این میان ۶۰ درصد زنان با این سوال که احداث پارکهای مخصوص بانوان باعث کاهش اعتماد به نفس زنان برای حضور در اجتماع و جمعهای مردانه خواهد شد، مخالف بوده‌اند و در مقابل ۴۰ درصد زنان نیز این مسئله را از عواقب شکل‌گیری فضاهای ایزوله و جدا برای زنان در شهرها میدانند و با این مسئله موافق بوده‌اند. در این راستا در مورد تفکیک فضاهای شهری به صورت مردانه و زنانه و متعاقب آن، افزایش نگاههای جنسیتی، حدود ۶۲ درصد افراد مخالف این مسئله و ۳۸ درصد افراد موافق این مسئله بوده‌اند به عبارت دیگر این افراد معتقد بوده‌اند که تفکیک فضاهای مردانه و زنانه منجر به افزایش نگاههای جنسیتی و سرایت این مفهوم و نگاه تفکیکی به سایر موضوعات اجتماعی خواهد شد. همچنین ۷۰ درصد زنان شهر آمل علت خود را در استفاده از پارکهای مخصوص بانوان در این مورد دانسته‌اند که می‌توانند به طور

واکاوی نگرش زنان نسبت به شکل‌گیری فضاهای گردشگری- فراغتی مخصوص بانوان۱۰۷

آزادانه و بدون داشتن حجاب به فعالیتهایی مانند ورزش و غیره بپردازند و این موضوع به آنها احساس آزادی بیشتری خواهد داد. حدود ۲۳ درصد افراد نیز با این عمل مخالف بوده و بقیه نیز بی‌نظر بوده‌اند. از طرفی حدود ۷۷ درصد زنان پارکهای مخصوص بانوان را به دلیل عدم حضور مردان و داشتن آرامش بیشتر ناشی از آن انتخاب خواهند کرد و حدود ۲۳ درصد دیگر نیز با این موضوع مخالف بوده و رفتن به پارک را به صورت خانوادگی ترجیح میدهند. در نهایت ۶۲ درصد زنان نسبت به تفکیک سایر فضاهای اجتماعی مانند سینما به صورت مردانه و زنانه اظهار مخالفت کرده در حالی که ۶ درصد بی‌نظر و ۳۲ درصد نیز با این مسئله کاملاً موافق بودند.

جدول ۵- گویه‌های مربوط به نگرش زنان به پارک‌های مخصوص بانوان

۱	اگر در نزدیکی محل زندگی مان پارک مخصوص بانوان احداث شود حتماً برای گذران اوقات فراغت به آنجا مراجعه خواهیم کرد.
۲	به نظر من احداث فضاهای زنانه مانند پارک مخصوص بانوان باعث بالارفتن احساس امنیت زنان می‌شود.
۳	به نظر من احداث پارکهای مخصوص بانوان باعث افزایش دسترسی زنان به فضاهای عمومی شهری می‌شود.
۴	به نظر من احداث پارکهای مخصوص بانوان باعث کاهش اعتماد به نفس زنان برای حضور در اجتماع و همچنین جمعهای مردانه می‌شود.
۵	به نظر من تفکیک فضاهای شهری به صورت مردانه و زنانه باعث افزایش نگاههای جنسیتی در جامعه می‌شود.
۶	به نظر من باید سایر فضاهای فراغی مانند سینما... هم باید تفکیک شوند.
۷	در این پارک‌ها به طور آزادانه و بدون حجاب به فعالیتهایی مانند ورزش و غیره می‌پردازم.
۸	در پارکهای مخصوص بانوان به دلیل عدم حضور مردان، آرامش بیشتری دارم.

منبع: نگارنده

جدول ۶- مقادیر مربوط به گویه‌های نگرش زنان نسبت به پارک‌های مخصوص بانوان

	تعداد	حداقل	حداکثر	میان	انحراف معیار
D1	۳۸۱	۲	۵	۴	۰/۰۹۱۵۲
D2	۳۸۱	۲	۵	۴	۰/۰۳۲۰۰
D3	۳۸۱	۲	۵	۴	۰/۰۶۳۰۰۰
D4	۳۸۱	۱	۵	۲	۰/۴۳۲۰۰
D5	۳۸۱	۱	۵	۲	۰/۳۲۴۰۰۰
D6	۳۸۱	۱	۵	۲	۰/۲۵۶۰۰
D7	۳۸۱	۱	۵	۴	۰/۲۳۴۰۰
D8	۳۸۱	۱	۵	۴	۰/۱۲۷۰۰

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

اولویت‌های امکانات و تاسیسات پارک بانوان از نظر زنان:

۳۵ درصد زنان وجود تسهیلات و تجهیزات پیشرفته ورزشی، ۱۹ درصد داشتن امکانات رفاهی و میلمان و چیدمان فضایی مناسب مانند نیمکت، آلاچیق، صندلی، آبخوری و روشنایی مناسب، ۱۳ درصد برخورداری از طبیعتی زیبا و پوشش گیاهی مناسب و متنوع، ۱۰ درصد وجود نگهبان و حراست زن در فضای پارک و ورودی پارک، ۶ درصد برگزاری کلاسهای فرهنگی، ۱۱ درصد کلاسهای آموزشی رایگان (مانند ورزش، آموزش نگهداری گل و گیاه در منزل، کلاسهای آموزشی در ارتباط با سلامت خانواده، تربیت فرزندان، اعتیاد و....) ۶ درصد فضای اختصاصی بازی برای کودکان را از ضروریات پارک‌های مخصوص بانوان می‌دانند.

جدول ۷- اولویت‌های امکانات گردشگری- فراغتی در پارک بانوان

اولویت‌های گردشگری- فراغتی	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
تسهیلات و تجهیزات ورزشی پیشرفته	۱۲۷	۳۵	۳۳
برگزاری کلاسهای فرهنگی	۲۶	۶	۴۰
برگزاری کلاسهای آموزشی رایگان	۳۸	۱۱	۵۰
داشتن طبیعتی زیبا و برخورداری از پوشش های گیاهی متنوع	۵۲	۱۳	۶۳
داشتن امکانات رفاهی ، میلمان و چیدمان فضایی مناسب	۷۳	۱۹	۸۲
فضای بازی کودکان	۲۶	۶	۸۹
وجود حراست و نگهبان زن در فضای پارک	۳۹	۱۰	۱۰۰
جمع	۳۸۱	۱۰۰	

منبع : محاسبات تحقیق حاضر

ب- یافته‌های تحلیلی

در راستای بررسی نگرش زنان نسبت به پارک بانوان و همچنین بررسی میزان رضایت‌مندی آنان از مقوله فراغت و بررسی عوامل موثر بر آن باید بررسی وجود رابطه میان این متغیرها پرداخت. با توجه به نوع متغیرها که به صورت اسمی، ترتیبی و فاصله ای یا نسبی می‌باشد با استفاده از آزمون‌های آماری همبستگی به بررسی رابطه میان آنها پرداختیم که به شرح زیر می‌باشد:

یکی از اهداف پروژه حاضر بررسی تاثیر متغیرهای زمینه‌ای مانند تحصیلات بر روی نگرش زنان نسبت به پارک مخصوص بانوان می‌باشد. از این رو با توجه به متغیرهای مقوله‌ای - ترتیبی یعنی تحصیلات و نگرش زنان نسبت به پارک از آماره همبستگی دی سامرز استفاده شده است. این آماره در مورد تحلیل‌های آماری ناپارامتری مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجایی که ضریب معناداری در رابطه نامتقارن سامرز بین ۱ و -۱ می‌باشد در مورد اثر تحصیلات بر روی نگرش زنان نسبت به پارک مخصوص بانوان، ضریب همبستگی مستقیم آماره دی سامرز در حد متوسطی به دست آمده است. ضریب سامرز نشان می‌دهد که رابطه معناداری میان تحصیلات و نگرش به پارک‌های مخصوص

بانوان دارد و این بدین معناست که زنان تحصیلکرده بیشتر نگران مفهوم جنسیتی شدن فضاهای شهری می‌باشند و هر چه تحصیلات بالا می‌رود میزان مخالفت با احداث این فضاها و تفکیک فضاها نیز بیشتر خواهد شد.

جدول ۸- بررسی رابطه میان تحصیلات و نگرش زنان به پارک بانوان

تحصیلات	D1				جمع	
	نگرش	مخالقم	بی نظر	موافقم		کاملا موافقم
بی سواد		۰	۰	۱۳	۰	۱۳
زیر دیپلم تا دیپلم		۰	۰	۶۵	۷۷	۱۴۲
لیسانس		۲۶	۰	۷۵	۲۵	۱۲۶
فوق لیسانس		۵۱	۱۲	۱۲	۰	۷۵
دکترا و بالاتر		۱۳	۰	۱۲	۰	۲۵
جمع		۹۰	۱۲	۱۷۷	۱۰۲	۳۸۱

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

۹- ضریب معناداری آماره دی سامرز

	مقدار معیار	خطای معیار	آماره آزمون	معناداری
معیار متقارن	۰/۴۸۲	۰/۰۲۷	۱۸/۰۰۰-	۰/۰۰۰
دی سامرز				

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

- برای بررسی رابطه میان متغیر درآمد به عنوان یک متغیر ترتیبی و میزان رضایت از نحوه گذران فراغت (ترتیبی) از آماره همبستگی اسپیرمن استفاده شده است که ضریب همبستگی به دست آمده رابطه معناداری (در حد بالایی) را بین این دو نشان می‌دهند. همان طور که از میزان ضریب معناداری دیده می‌شود، رابطه معناداری میان درآمد و میزان رضایت از گذران اوقات فراغت زنان دیده می‌شود. به طوریکه با افزایش درآمد میزان رضایت از گذران اوقات فراغت نیز افزایش می‌یابد.

- در مورد رابطه میان نوع شغل و میزان رضایت نیز با توجه به اینکه شغل به عنوان متغیر اسمی و رضایت به عنوان یک متغیر ترتیبی می‌باشد از آماره استنباطی آنوای یک طرفه (Anova) استفاده شده است که ضریب بدست آمده رابطه معناداری را بین گروههای شغلی و نگرش به پارک مخصوص بانوان نشان می‌دهد. همان طور که از جدول شماره ۱۲ پیداست، نگرش زنان شاغل در گروههای دانشجوی و شغل آزاد نسبت به زنان خانه‌دار در مورد پارک‌های مخصوص بانوان متفاوت است. در حالی که این تفاوت میان گروههای کارمند و دانشجو و شغل آزاد مشاهده نمی‌شود.

جدول ۱۰- همبستگی میان درآمد و رضایت از گذران اوقات فراغت

درآمد	کیفیت وضعیت موجود گذران اوقات فراغت	آزمون اسپیرمن
۰/۶۸**	۱	(کیفیت وضعیت)ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	۰	معنا داری (یک دامنه)
۳۸۱	۳۸۱	تعداد
۱	۰/۶۸**	(درآمد)ضریب همبستگی
۰	۰/۰۰	معنا داری (یک دامنه)
۳۸۱	۳۸۱	تعداد

**همبستگی با ضریب ۰/۰۱ معنادار می باشد(یک دامنه)

منبع : محاسبات تحقیق حاضر

جدول ۱۱- بررسی رابطه معنادار میان نگرش به پارک و شغل با استفاده از آماره آنوا

معناداری	F	مربع میانگین	درجه آزادی	مجموع مربعات
۰/۰۰۰	۳۹/۰۰۰	۳۶/۰۳۷	۳	۱۰۸/۰۰۰
		۱۴/۹۶۷	۳۷۷	۳۴۴/۰۰۰
			۳۸۰	۴۵۲/۰۰۰

منبع : محاسبات تحقیق حاضر

جدول ۱۲- تفاوت معنادار میان شغل و نگرش

معناداری	ضرایب غیر استاندارد	اختلاف میانگین	گروههای شغلی و	نگرش
۰/۰۰	۲/۴۴۵	*۱/۰۰۰	دانشجو	خانه دار
۰/۰۷	۲/۴۴۵	*۱/۰۰۰	کارمند	
۰/۰۲	۲/۴۴۵	۳/۰۰۰	شغل آزاد	
۰/۰۰	۲/۴۴۵	*۱/۰۰۰-	خانه دار	دانشجو
۰/۰۹	۲/۴۴۵	۲/۰۰۰	کارمند	
۰/۰۶	۲/۴۴۵	۲/۰۰۰	شغل آزاد	
۰/۰۷	۲/۴۴۵	*۱/۰۰۰-	خانه دار	کارمند
۰/۰۹	۲/۴۴۵	-۲/۰۰۰	دانشجو	
۰/۰۸	۲/۴۴۵	۲/۰۰۰	شغل آزاد	
۰/۰۲	۲/۴۴۵	-۳/۰۰۰	خانه دار	شغل آزاد
۰/۰۶	۲/۴۴۵	-۱/۰۰۰	دانشجو	
۰/۰۸	۲/۴۴۵	-۲/۰۰۰	کارمند	

منبع : محاسبات نگارندگان

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در مبانی نظری اشاره گردید، عوامل مختلفی گذران اوقات فراغت زنان را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این مسئله در اولویت‌بندی گذران اوقات فراغت زنان آملی خود را نشان می‌دهد. به طوری که اولویت‌های اول زنان در گذران اوقات فراغت به صورت جمع‌های دوستانه و اینترنت می‌باشد که این خود نشان دهنده وضعیت ایده‌آلی برای وضعیت گذران اوقات فراغت زنان نیست. استفاده از اینترنت به عنوان دومین انتخاب زنان در گذران اوقات فراغت خود نشان از تحول مهمی در این موضوع می‌باشد. از مشاهدات و مصاحبه در این مورد با زنان اینگونه بر می‌آید که عموماً استفاده زنان از اینترنت محدود به استفاده از برخی برنامه‌های شبکه‌های اجتماعی (تلگرام و بعضاً اینستاگرام) می‌باشد که بررسی نقاط ضعف، قوت و آسیب‌های آن خود نیاز به تحقیق دیگری خواهد داشت. اما نکته قابل توجه سهم اندک فعالیت‌های ورزشی و پیاده روی در مقایسه با اینترنت و جمع‌شدن‌های دوستانه است که منجر به کمترین فعالیت ورزشی و فیزیکی برای زنان در اوقات فراغت آنها شده است. نکته قابل تأمل دیگر شرکت در مراسم مذهبی به عنوان یکی دیگر از الگوهای گذران اوقات فراغت زنان است که در کنار جمع‌های دوستانه انتخاب زنان را برای تجربه‌های مشارکتی و در جمع قرار گرفتن در هنگام فراغت نشان می‌دهد هرچند بعضی از زنان به دلیل نگهداری از سالمندان خانواده، فرزندان و نوه‌ها احتمالاً وقت کمتری برای قرار گرفتن در جمع‌های دوستانه و شرکت در مراسم و کلاسها خواهند داشت. انتخاب‌های بعدی زنان نیز به صورت کم‌رنگ و اندک مربوط به مواردی مانند مطالعه، گوش دادن به موسیقی، خرید، تماشای تلویزیون و ماهواره می‌باشد که به نظر می‌رسد اینترنت نقش این رسانه‌ها را در پرکردن اوقات فراغت زنان گرفته است. در مورد میزان رضایت و کیفیت فراغت زنان نیز باید گفت با توجه به اولویت‌ها و الگوهای گذران اوقات فراغت زنان آملی رضایت‌چندانی از این الگوهای گذران اوقات فراغت خود نیستند و این میزان نارضایتی در اموری مانند خود شکوفایی در حین فراغت، تقویت روابط با دیگر افراد، احساس افسردگی و بی‌حوصلگی، انجام کارهای خانه و امور مربوط به دیگران و نداشتن وقت کافی برای خود، عدم افزایش تواناییها و مهارت‌های فردی و فرایند یادگیری در جریان فراغت، خود را نشان می‌دهد. نتیجه‌گیری این بخش از تحقیق اینگونه خواهد بود که وضعیت فراغت زنان ذکر شده در مرحله فراغت ناقص قرار دارد که در مبانی نظری ذکر شده است.

با توجه به توضیحات ذکر شده نگرش زنان نسبت به پارک مخصوص بانوان تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد. پارک مخصوص بانوان می‌تواند تحت مفاهیمی همچون امنیت و آرامش ناشی از عدم حضور مردان، داشتن آزادی و عدم رعایت حجاب برای زنان و افزایش دسترسی به فضاهای شهری برای زنان قرار گیرد و از طرفی دیگر می‌تواند تحت تأثیر دیدگاه‌های فیمینیستی توسط زنان مورد نقد قرار گیرد چرا که این فضاها می‌توانند مقدمه‌ای بر جداسازی سایر فضاهای شهری توسط حاکمیت مردسالار ارگان‌هایی مانند شهرداری‌ها و سایر نهادهای مسلط دیگر گردد. از

نظر این دسته شکل‌گیری این فضاهای شهری موجب کاهش اعتماد به نفس زنان برای حضور در اجتماع خواهد شد. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که اکثر زنان شهر آمل با احداث پارک بانوان به آنجا به عنوان گزینه‌ای برای گذران اوقات فراغت خود مراجعه می‌کنند و چندان معتقد به جنسیتی شدن فضاهای دیگر شهری بواسطه شکل‌گیری این فضاها نیستند و این نوع پارک را به دلیل آرامش ناشی از عدم حضور مردان و داشتن آزادی عملکرد مناسب برای گذران اوقات فراغت و فعالیتهای شهری-گردشگری، مناسب می‌دانند. در نتیجه فرضیه اول مبنی بر اینکه "تقاضا و نگرش مثبتی برای شکل‌گیری فضاهای فراغتی مخصوص بانوان مانند پارک بانوان در شهر آمل وجود دارد" مورد اثبات قرار می‌گیرد. این نتایج در راستای نتایج تحقیقات دیگری که در مبنای نظری و پیشینه به آنها اشاره شده بود، قرار می‌گیرد. به طوری که در تحقیقات مشابه نیز زنان استقبال و واکنش مثبتی نسبت به پارک‌های مخصوص بانوان در شهرهایی چون تهران داشته‌اند.

همچنین در این بخش باید به موانع گذران فراغت زنان نیز توجه خاص نمود چرا که این موانع زنان را در گروه‌بندی‌های مختلفی قرار می‌دهد که خود ممکن است منجر به ناراضی‌های بیشتری شود و دغدغه‌های این طبقات باید مورد توجه برنامه‌ریزان فضاهای فراغتی قرار گیرد. موانعی همچون نبود فضاها و تسهیلات کافی فراغتی در نزدیکی محل سکونت (به عنوان مهم‌ترین مانع)، نداشتن درآمد کافی، نداشتن تواناییهای جسمی، نداشتن وقت کافی به دلیل مشغله برای انجام امور افراد دیگری به غیر از خود، در برنامه ریزی اوقات فراغت زنان شهر آمل باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

در اینجا باید به عوامل اثرگذاری همچون شغل و تحصیلات و درآمد اشاره نمود که الگوها و نگرش به فراغت در فضاهای فراغتی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند. دیدگاههای زنان شاغل و بیشتر تحصیلکرده نسبت به فضاهای تفکیک شده بیشتر به دیدگاههای فیمینیستی و نگرانی درباره فضاهای تفکیک شده بیشتر است تا زنان خانه دار. از طرف دیگر هر چه بر میزان تحصیلات افزوده می‌شود تحت تاثیر افزایش انتظارات افراد از فضاهای شهری و همچنین نداشتن وقت کافی برای افراد شاغل، میزان رضایت از الگوهای فراغتی کاهش می‌یابد. این مورد نیز فرضیه دوم مبنی بر اینکه "متغیر زمینه‌ای مانند تحصیلات در دیدگاههای زنان نسبت به شکل‌گیری فضاهای ویژه بانوان تاثیرگذار است" را مورد اثبات قرار می‌دهد. بدیهی است که برنامه‌ریزی برای این گروهها با دیدگاههای مختلف می‌تواند مورد توجه برنامه ریزان شهری قرار گیرد. درآمد نیز به عنوان یک عامل تشویقی باعث افزایش رضایتمندی نسبت به گذران اوقات فراغت خواهد شد.

با توجه به نتایج ذکر شده پیشنهادات زیر در جهت استفاده هر چه بهتر فضاهای شهری نظیر پارک‌های مخصوص بانوان برای گذران اوقات فراغت تبدیل خلا فراغت و فراغت ناقص به فراغت کامل و مولد ارائه می‌گردد:

- برگزاری تورهای شهر گردی و حومه شهر رایگان برای زنان که می‌تواند با توجه به مشغله گروه‌های مختلف زنان به تفکیک گروه‌های سنی و شغلی برگزار گردد.
- برگزاری برنامه‌های فرهنگی با بسته‌های تشویقی که باعث انگیزه برای کشاندن زنان به سمت فعالیتهای فراغتی مولد باشد.
- تعدد امکانات در پارک‌های مخصوص بانوان بخصوص برگزاری برنامه ورزشی مداوم در جهت افزایش تحرک جسمی
- برگزاری کلاسهای آموزشی - روانشناسی در جهت افزایش مهارتهای فردی در پارک‌ها برای زنان
- افزایش تعداد پارک‌های محله‌ای برای دسترسی بیشتر و ارتقاء وضعیت سرانه فضای سبز
- افزایش تعداد پارک‌های خانوادگی در کنار افزایش پارک‌های مخصوص بانوان
- برگزاری نمایشگاه‌های کتاب و مسابقات کتابخوانی ویژه زنان با مضامین و موضوعات جذاب برای بانوان در جهت ارتقاء وضعیت مطالعه

منابع

۱. اباذری، یوسف، صادقی فسایی، سهیلا و حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷). احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره، **پژوهش زنان**، دوره ۶، شماره ۱: ۱۰۳-۷۵.
۲. الهام پور، حسین و پاک سرشت، محمدجعفر (۱۳۸۲). بررسی الگوی گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران، **مجله علوم تربیتی و روانشناسی**، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ۳، سال ۱۰، شماره‌های ۳ و ۴: ۶۲-۳۹.
۳. بمانیان، محمدرضا، رفیعیان، مجتبی و ضابطیان، الهام (۱۳۸۸). سنجش عوامل موثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری (مورد: محدوده‌ی اطراف پارک شهر- تهران)، **پژوهش زنان**، دوره ۷، شماره ۳: ۶۷-۴۹.
۴. بهنام، جمشید (۱۳۴۸). **مقدم‌ای بر جامعه‌شناسی ایران**، انتشارات خوارزمی، تهران.
۵. پور احمد، احمد، سالاروندیان، فاطمه (۱۳۹۱). روند تحولات تاریخی فضاهای گذران اوقات فراغت زنان از قاجاریه تا کنون در شهر تهران، **فصلنامه زن در توسعه و سیاست**، شماره ۳: ۷۴-۵۱.
۶. تندنویس، فریدون (۱۳۹۱). جایگاه ورزش در اوقات فراغت زنان ایرانی، **مجله حرکت**، شماره ۱۲: ۸۷-۱۰۴.
۷. دومازدیه، ژوفر (۱۳۵۲). زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسانه؛ ترجمه م. آدینه، **مجله فرهنگ و زندگی**، شماره ۱۲: ۱۶-۶.
۸. رفعت جاه، مریم (۱۳۸۶). قدرت، جنسیت و فراغت، **سمینار معماری کلان اوقات فراغت در تهران**، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، اردیبهشت ۸۶.
۹. زاهدی، اصل (۱۳۷۰). **جامعه‌شناسی فراغت**، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
۱۰. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). **فرهنگ علوم اجتماعی**، تهران: انتشارات کیهان.
۱۱. شاطریان، محسن و اشنویی، امیر (۱۳۹۰). تحلیل فضایی نحوه و میزان گذران اوقات فراغت: نمونه موردی بافت قدیم و جدید شهر کاشان، **مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، شماره ۱: ۱۶۶-۱۴۲.
۱۲. فکوهی، ناصر و انصاری مهابادی، فرشته (۱۳۸۲). اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی- نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه‌ی شهر تهران، **نامه‌ی انسان‌شناسی**، دوره ۱، شماره ۴، ۸۲: ۸۹-۶۱.
۱۳. کی منش، خسرو (۱۳۷۸). **شناخت اوقات فراغت و راههای پرکردن آن**، قم: انتشارات دارالثقلین.
۱۴. نیک پور، صغری، حاجی کاظمی، افتخارالسادات و حقانی، حمید (۱۳۸۴). بررسی نوع و مدت فعالیتهای فیزیکی زنان شاغل در حیطه‌های شغلی و اوقات فراغت در سال ۱۳۸۲، **مجله دانشگاه علوم پزشکی ایران**، شماره ۴۶: ۳۸۱-۳۹۲.
۱۵. هیوود، لس؛ کیو، فرانسیس؛ براهام، پیتر؛ اسپینک، جان؛ کاپنهارست، جان و هنری، جان (۱۳۸۰). **اوقات فراغت**، ترجمه محمد احسانی، نشر امید دانش.
۱۶. فرهودی، رحمت‌الله؛ حبیبی، لایلا؛ حاتمی نژاد، حسین؛ جعفری مهربادی، مریم و سالاروندیان، فاطمه (۱۳۹۰). فضاهای ویژه و مشارکت زنان در فعالیت‌های فراغتی، **فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری**، شماره ۱۵: ۸۵-۱۱۰.

19. Lubuva, J. and Mtani, A. (2004). Urban space and security: A case of the Dar es Salaam, safety audits for women, Dar es Salaam, Tanzania,. **Making Safer Places, Women's Safety in our Citis, National Conference, Conference Report**, London, 18th November 2005.
20. Gillot, G. (2006). **Gardens in the Arab World: From Paradise to Dream Parks (Damascus, Cairo and Rabat)**. available in: www.cairn.info/revue-Annales-de-geographie-2006-4-page-409.htm.
21. Fontenelle, S. de M. and Zinkhan, G. M. (1993). Gender Differences in the Perception of Leisure: a Conceptual Model, in NA - **Advances in Consumer Research**, Vol. 20, eds. Leigh McAlister and Michael L. Rothschild, Provo, UT : Association for Consumer Research, Pages: 534-540.
22. Mi-Hye, C. (2006). Gender, leisure and time constraint: employed men and women's experience, **Development and society**, Vol. 35: 83-105.
23. Chiesura, A. (2004). The role of urban parks for the sustainable city, **Landscape and Urban Planning**, 68(1): 129-138.
<https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2003.08.003>.